

عربستان رژیم وهابی است. یعنی عبدالعزیز بر آن اساس انقلاب کرده و پادشاهان عربستان هم به انقلابشان پایبند هستند. اما ما شیعه هستیم و مسایل خاص خود را داریم. در دورانی که با هم رفاقت کردیم، این مسأله را تحت الشعاع قرار دادیم.

آیت اعلیٰ هاشمی رفسنجانی؛



به گزارش اسپادانا وی ادامه داد: به نظرم حرف رهبری خیلی روشن است. این توافق خوب و بد را خود آنها می‌گویند. اول رژیم اشغالگر قدس و بعد آمریکایی‌ها گفتند که اگر توافق نشود، از توافق بد بهتر است. ما هم همیشه قبول داشتیم. منتها بد را آنها به صورت دیگری معنا می‌کنند و ما هم به گونه دیگری معنا می‌کنیم. آنها این گونه معنا می‌کنند که ردپای پیدا نشود که ما دنبال هسته‌ای نظام هستیم و ما این گونه معنا می‌کنیم که از حقوق ما چیزی کم نشود. این تفاوت وجود دارد، ولی قابل تفاهم است. هاشمی رفسنجانی در خصوص مذاکرات هسته‌ای خاطر نشان کرد: اگر اینها عاقل باشند، ما بیش از اینها لازم داریم. بالاخره همین نیروگاه هسته‌ای که داریم و همه آنچه که الان در نظرتان و فردو داریم، نمی‌توانند سوخت نیروگاه بوشهر را تأمین کنند. البته سوخت آن را روس‌ها تعهد دارند و فعلاً می‌دهند. بنا داریم چند نیروگاه دیگر بسازیم و باید هم بسازیم و این حق و مصلحت ماست که بسازیم. لذا باید به موازات آن، قدرت غنی‌سازی ما بالا برود. فکر می‌کنم اگر به تفاهم برسیم و با نظارت کامل هم باشد، دیگر دلیلی برای کارشکنی آنها وجود نداشته باشد. مثلاً می‌گویند ما از خارج به شما سوخت می‌دهیم که این حرف دلیلی ندارد. الان تعداد زیادی از کشورهای مثلاً ژاپن هستند که اینها را دارند. آنها هم همین بحث‌ها را با آژانس داشتند تا به اینجا رسیدند. من فکر می‌کنم معنای توافق خوب برای ما همین است که چیزی از حقوقمان کسر نشود. وی همچنین در خصوص ارتباط ایران و عربستان افزود: وضع الان بدتر از گذشته نبود ولی با اظهاراتی که در نماز جمعه تهران شد خیلی بد شده. در مقطعی خیلی خوب شد، ولی الان هم نسبت به گذشته خیلی بدتر نیست. پیش از انقلاب، ایران و عربستان به خاطر نفت و موضوعات دیگر با هم درگیر بودند و دائماً به هم پرخاش می‌کردند. بعد که انقلاب شد، آنها اوایل از انقلاب ما ترسیدند. مخصوصاً آن روزهایی که شعار صادر کردن انقلاب را می‌دادیم و بالاخره خود ملت‌ها هم به فکر افتادند که راه ایران را بروند، آنها نگران بودند و روابطشان با ما بد بود. تا اینکه زمان به ریاست جمهوری من رسید. در جنگ هم آنها از صدام حمایت می‌کردند و پول می‌دادند و فضای آنها در اختیار صدام بود. امام هم وقتی حج قطع شد، نگران بودند و گفتند: این بد است که ما دولتی اسلامی باشیم و حج که از اصول مسلم اسلام و قرآن است، تعطیل باشد، بروید و درست کنید. این دستور امام (ره) بود. ما هم دنبال این مسأله بودیم و وقتی رئیس‌جمهور شدم، کار خودم بود که انجام بدهم. پی‌گیری کردم که پیشرفت هم کردیم. یکی- دو برخورد با ملک عبداللّه که آن موقع امیرعبدلّه بود، در سنگال و پاکستان داشتیم و مقدار زیادی با هم بحث کردیم و ایشان خیلی فرق کرد. یعنی چیزهایی را فهمید که ضد آن فکر می‌کردند. به صورتی شد که در اجلاس سران در پاکستان، قرارمان این شد که ایشان به اتاق ما بیاید. چون هر کدام از ما اتاقی داشتیم، در سنگال من رفته بودم و در اینجا بنا بود که او بیاید. من در مجلس نشسته بودم که دیدم یکدفعه آمدند و گفتند: امیر منتظر شماست. آقای ولایتی گفتند: قرارمان این بود که ایشان بیاید، الان چه کار کنیم؟ گفتم: برویم، ما نباید تکبر کنیم و اصل بر حرف زدن است. بلند شدیم و به طرف اتاقشان رفتیم، یکدفعه دیدیم که ملک عبداللّه و همراهانش از اتاق به بیرون برای استقبال ما آمدند و گفتند: آماده‌ایم که به اتاق شما برویم. اصلاً یکدفعه زیرورو شدند. یعنی همان حالت تواضعی که نشان دادیم، ایشان را به آنجا آورد. در همان اتاق خیلی از معضلاتمان حل شد. آنها مخالف بودند که اجلاس بعدی در تهران باشد که حل شد. در جده یا ریاض بیانیه داده بودند. از همانجا به سعود الفیصل تلفن کرد و گفت که بیانیه را لغو کنید. بعد از جلسه، مهمان نخست‌وزیر پاکستان بودیم و می‌خواستیم برای ناهار برویم. از در بیرون آمده بودیم و منتظر تا ماشین‌ها برسند. ماشین من زودتر از ماشین آنها رسید، امیرعبدلّه بدون محافظ در ماشین من سوار شد. این منظره یکدفعه خیلی چیزها را در نظر خبرنگارها و دیگران عوض کرد. با هم وارد اجلاس شدیم و همان مانور کافی بود. مشکل اصلی ما سرقیمت نفت بود که ایشان می‌گفت: اگر ما نفت را گران کنیم، آنها سوخت‌های دیگری پیدا می‌کنند و نفت از ارزش می‌افتد. من برای او ثابت کردم که چنین چیزی را به این آسانی نمی‌توان

درست کرد و ارزش نفت فعلاً به این زودی پایین نمی‌آید. ایشان هم قبول کرد و همکاری کرد و مسأله نفت هم حل شد. هاشمی ادامه داد: به هر حال در آن فضا بسیاری از مشکلات را حل می‌کردیم. در عربستان خیلی کار کردیم. الان هم اگر ما شرایط را درست کنیم و آنها هم درست کنند، می‌توانیم برگردیم. همین آقای سلمان آن موقع امیر ریاض بود. یک مهمانی برای ما گرفت که با خضوع رفتار کرد. همه چیز برادرانه برگزار شد. همه چیز را دوستانه برای من تعریف می‌کرد. ولی الان مسایل زیادی با هم در یمن، بحرین، سوریه، عراق، لبنان و حتی رژیم اشغالگر قدس داریم. ما قبول نداریم که آنها با اسرائیل حالت فعلی را داشته باشند. این اختلافات هست و باید اینها را حل کنیم. به نظرم می‌توانیم که برگردیم. خیلی کشورها در منطقه درگیر هستند. ولی ما دو کشور اگر با هم هماهنگ کار کنیم، خیلی چیزها حل می‌شود. ما طمع می‌کنیم به سوریه، عراق و بحرین نداریم. اختلافات ما براساس نگرانی‌های دیگری است. عربستان اصلاً رژیمی وهابی است. یعنی عبدالعزیز بر آن اساس انقلاب کرده و پادشاهان عربستان هم به انقلابشان پایبند هستند. اما ما شیعه هستیم و مسایل خاص خود را داریم. در دورانی که با هم رفاقت کردیم، این مسأله را تحت‌الشعاع قرار دادیم و گفتیم که مسایل عقایدی مربوط به علماست و ما باید کشورداری کنیم. من فکر می‌کنم اگر این دو کشور با هم باشند، خیلی از تروریست‌هایی که پیدا شدند، از بین می‌روند. داعش از سوریه بیرون آمد. الان هر دو کشور نسبت به سیاست‌های همدیگر در سوریه، یمن، بحرین، عراق و لبنان حرف دارند، ولی می‌توان با هم تفاهم کرد و برای هر یک از اینها یک کمیسیون قرار داد و با تفاهم، کمیسیون‌ها مسایل را حل کنند. آخرین قرار ما با ملک عبدالعزیز بود که هفت کمیسیون تنظیم کنیم و یک کمیسیون هم علمایی باشد تا آنها مسایل عقیدتی و فکری را حل کنند. شدنی بود. الان معتقد نیستم که همه کارها با ما حل می‌شود. در افغانستان وقتی که اینها با شوروی می‌جنگیدند، ما با هم بودیم و پیروز شدیم و واقعاً افغان‌ها شوروی را با کمک ما شکست دادند. ولی بعدها دعوا شد که سهم شیعه چقدر یا سهم سنی چقدر باشد! بالاخره اگر روابط صحیح باشد، فکر می‌کنم بهترین قدرت حل مشکلات منطقه در این دو کشور هست.

برچسب ها: [هاشمی، رفسنجانی](#) [1]